

بهارن ماه ۱۳۹۲

## نقد کتاب «الفرقان الحق» با تأکید بر وجوه اعجاز قرآن

فرزانه روحانی مشهدی<sup>۱</sup>

### چکیده

به تازگی در امریکا کتابی به نام «الفرقان الحق» در معارضه با قرآن نوشته اند تا جایگزین قرآن کریم میان مسلمانان شود. در این مقاله با تکیه بر وجوه اعجاز و ویژگی های قرآن کریم کتاب فوق مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. این بررسی در سه محور قالب، محتوا و شواهد صورت گرفته و روشن گردیده که در همه زمینه ها قرآن کریم مطلقاً برتر است. اما با توجه به آیات تحدی در قرآن کریم معلوم می شود این اثر اساساً شرایط معارضه با قرآن را ندارد تا بررسی شود آیا مماثل با قرآن هست یا خیر. پس نه معارضه با قرآن محسوب می شود و نه هیچ عقل سلیمی آن را جایگزین مناسبی برای قرآن کریم می شمرد.

### کلید واژه

قرآن کریم، تحدی، الفرقان الحق، وجوه اعجاز، معارضه، مسیحیت، احکام اسلام

### طرح مسأله

اخیراً گروهی از مسیحیان در امریکا در معارضه با قرآن کتابی با نام «الفرقان الحق» نوشته اند. این جریان از سال ۱۹۹۹ با انتشار سوره ای جعلی شبیه سوره های قرآن کریم در اینترنت آغاز شد و به تألیف این کتاب انجامید که به تقلید از شیوه و اسلوب قرآن کریم و با استفاده از کلمات و آیات آن جعل و با رسم الخط قرآنی عرضه شد. به نظر می رسد فراهم آوردن این کتاب هنوز در مرحله آزمایش هستند و شرایط فعلی را برای ورود گسترده و توزیع بی محابای آن در کشورهای اسلامی مناسب نمی بینند. اما در کتابخانه های بزرگ و

۱- استادیار دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن



# دومین همایش ملی اعجاز قرآن



بهمین ماه ۱۳۹۲

مشهور دنیای عرب، باشگاه های تفریحی و ورزشی، مراکز آموزشی و فنی و در بعضی از کشورهای عربی از جمله کویت، و البته در سطح مدارس خارجی که دانش آموزان مسلمان کشور میزبان در آن تحصیل می کنند، به شکل گسترده ای تبلیغ و توزیع شده است. این کتاب که توسط دو شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام Omega و Wine press چاپ شده، شامل ۷۷ سوره جعلی از جمله سوره هایی به نام الفاتحه، المحبۀ، المسیح، الثالوث... می باشد، که به بسیاری از عقاید و خصوصاً احکام اسلامی حمله کرده است. این کتاب ۳۶۶ صفحه ای به زبان های انگلیسی و عربی چاپ و منتشر شده است. در مقدمه این کتاب چنین آمده است: «تقدیم به ملت عرب و همه مسلمانان جهان! در عمق وجود هر انسانی اشتیاق فراوانی برای رسیدن به ایمان حقیقی، آرامش درونی، آزادی معنوی و زندگی ابدی وجود دارد. این متن - کتاب الفرقان الحق - می تواند به این اشتیاق، سمت و سو ببخشد.» دربرخی نظرات ارائه شده درباره این کتاب چنین می خوانیم:

«در طول ۱۴۰۰ سال گذشته هیچ اثر ادبی خلق نشده که بتواند مانند الفرقان الحق با قرآن مقابله کند.» (Bapt.it Press). دکتر مایکل براون، استاد زبان های سامی: «کتابی بهتر از قرآن که به زبان عربی فصیح و زیبا و انگلیسی قوی نوشته شده است.»

یکی از مجله های پروتستان: «پیام انجیل به روشنی در این کتاب دیده می شود.»

رئیس یکی از مدارس مسیحی در خاورمیانه: «فرقان الحق روشی نوآورانه و منحصر به فرد برای انتقال حقایق انجیل به مسلمانان است.»

پایگاه اینترنتی آمازون که آخرین عناوین کتاب ها در موضوعات مختلف را به فروش می رساند به تبلیغ این کتاب پرداخته است و آن را قرآنی نوشته شده به شیوه جدید و منحصر به فرد خواننده و می گوید: «اگر می خواهید با اسلام یا مسیحیت آشنا شوید این کتاب را بخوانید، زیرا این کتاب قرآن جدیدی به نام الفرقان الحق است که پیام قرآن و انجیل را با هم پیوند می دهد.»

بهمن ماه ۱۳۹۲

در مقاله حاضر این کتاب بررسی و با آیات قرآن مقایسه می شود تا روشن شود آیا دعوت قرآن به همآورد به شکلی مناسب پاسخ گفته شده و خارق العاده و فوق بشری بودن قرآن کریم منتفی گردیده است یا خیر.

بدین منظور لازم است معلوم شود، تحدی قرآن کریم ناظر به کدام یک از ویژگی های آن است. به عبارتی وجه اعجاز قرآن کریم کدام است. دانشمندان اسلامی از دیرباز در این باره سخن گفته و وجوهی را ذکر کرده اند؛ مانند فصاحت و اسلوب ادبی، معارف عقلانی، اخبار از غیب، اشاره به علوم و حقایق تجربی، صرفه، تأثیر ونفوذ و جاذبه، کیفیت تشکیل وهماهنگی، شیوه هدایت، روانشناسی و اقتضای انگیزه های روانی، آثار روحی، روابط آماری و تناسبات لفظی (برومند/ ۱۲۵-۱۴۵). مقایسه قرآن در هریک از این وجوه با آثار بشر روشن می سازد که هیچ یک از این وجوه را به تنهایی نمی توان وجه اعجاز قرآن کریم شمرد. سید مرتضی علم الهدی، این مطلب را درباره دو وجه فصاحت و نظم (اسلوب) قرآن به روشنی نشان داده است. (پهلوان، جایگاه الموضح.../۲۳۲) قرآن در سایر این وجوه نیز، اگرچه برتری نسبی دارد، اما در این برتری فاصله ای اعجاز گونه نسبت به آثار نوابغ در آن زمینه ندارد. بلکه آن چه قرآن را به شکلی مطلق برتر و متمایز می سازد افضل و عالی بودن در همه این وجوه متنوع است. پس لازم است الفرقان الحق ادعایی در یک این وجوه با قرآن مقایسه شود.

## نقد الفرقان الحق و مقایسه آن در وجوه اعجاز با قرآن

۱- فصاحت و بلاغت و اسلوب ادبی

اکثر دانشمندان متقدم فصاحت و بلاغت و اسلوب شگفت انگیز (نه نظم و نه نثر) و تألیف ویژه قرآن کریم را وجه اعجاز می شمردند و گاه آن را تنها وجه مورد تحدی می دانند. مانند جرجانی (۴۴)، باقلانی (۵۱)، خطابی، فخر رازی، زملکانی، ابن عطیه، راغب، حازم و... (سیوطی/۲۳۲) اما استفاده از کلام خود قرآن برای معارضه با آن در این ویژگی امری غیر معقول است. بندهای کتاب الفرقان الحق به ندرت خالی از بخش هایی از آیات قرآن یا ترکیبات و تشبیهات و آهنگ خاص قرآن است که البته به منظور ایجاد تفاوت یا نفی و نقض محتوای آن دستکاری واز فصاحت و بلاغت آن کاسته و گاه دچار اشکالات ادبی شده است. تنها به عنوان نمونه مواردی از این اشکالات و کاربردها ذکر می شود:

بهن ماه ۱۳۹۲

اشکالات بندهای سوره ممائثل الفاتحه

هُودًا الْفُرْقَانُ الْحَقُّ نُوحِيهِ فَبَلَّغَهُ لِلضَّالِّينَ مِنْ عِبَادِنَا وَ لِلنَّاسِ كَافَّةً وَ لَا تَخْشَ الْقَوْمَ الْمُعْتَدِينَ

هُوَ ذَا : ضمیر منفصل است که بر غائب دلالت دارد. «ذا» اسم اشاره به نزدیک است که گاه با حرف «هاء» تنبیه به کار می رود و گاه بدون آن و برای اشاره به شیء حاضر و موجود به کار می رود. در این صورت ، کاربرد این دو در کنار هم سازگاری ندارد. اگر گفته شود که هو ضمیر شأن است باید بگوییم ضمیر شأن برای تعظیم و تفخیم به کار می رود و در این صورت نیز با اسم اشاره نزدیک سازگار نیست و می بایست ذلک به کار می رفت.

نُوحِيهِ : در این جا سخن از وحی شدن این کتاب رفته است در حالی که وحی به معانی اشاره، کنایه، کلام پنهان و الهام است. ایحاء نیز به معنای سخن گفتن است با کسی به گونه ای که از دیگران پنهان باشد؛ پس در وحی سه رکن وجود دارد: وحی کننده، آنچه وحی می شود، آنکه به او وحی می شود. در این کلام روشن شده که آن چه وحی شده الْفُرْقَانُ الْحَقُّ است اما معلوم نیست وحی کننده و آنکه به او وحی می شود چه کسانی هستند.

فَبَلَّغَهُ لِلضَّالِّينَ مِنْ عِبَادِنَا وَ لِلنَّاسِ كَافَّةً : پس ابلاغ کن آن را به گمراهان از بندگان ما و به همه ی مردم

در این جا بندگان گمراه را از عموم مردم جدا ساخته و گویی بخشی از مردم بندگان خدای این کتاب هستند که برخی گمراه و برخی هدایت یافته اند؛ گمراهان آنان را مخاطب ویژه خود می شمرد و البته سایر مردم را- که نسبتی میان او و آنان نیست - از فیض سخن خود محروم نمی سازد! زیرا او عطف مشارکت در حکم را می رساند ، پس تبلیغ برای بندگان گمراه و عموم مردم هر دو صورت می گیرد و این دو گروه متمایزند.

وَ لَا تَخْشَ الْقَوْمَ الْمُعْتَدِينَ : واز گروه تجاوز کاران نترس.

به نظر می رسد که تجاوز کاران گروه سومی هستند که در کنار بندگان گمراه و عموم مردم مطرح می شود. زیرا اگر گفته شود اینان همان گمراهانند باید بگوییم تا آن جا که از مفهوم ضلالت (تباهی و نابودی و مخالف هدایت) به دست می آید، ضرر فرد گمراه به دیگران نمی رسد از این رو متجاوز محسوب نمی شود. در حالی که

بهمن ماه ۱۳۹۲

در اعتداء ضرر فرد به دیگران می رسد. شایسته آن بود که پس از ذکر تبلیغ، به هدایت یا اصرار بر ضلالت و انصراف از هدایت اشاره می شد. زیرا در تبلیغ اجبار وجود ندارد تا زمینه ظهور تجاوزکاران فراهم شود. پس در سیاقی که مقدمه آن تبلیغ است، تجاوز به عنوان نتیجه نمی گنجد.

مَهْمِینُ یَخْطِیْمُ سَیْفَ الظُّلْمِ بِكَفِّ الْعَدْلِ: ایمن بخشی که شمشیر ستم را به دست داد پوزبند زند.

در این بند ظلم را به شمشیر و عدل را به دست انسان تشبیه نموده است و خواسته تا پوز بند زدن به شمشیر کنایه از ناکار کردن آن باشد. در حالی که خطم به معنای جلوترین بخش هر چیز است که بیش تر در مورد حیوان به کار می رود و اشاره به بینی و پوز آن دارد و یخطم در معنای پوزبند زدن به کار می رود. بنابراین این بستن جلوترین قسمت شمشیر با کف دست که از این الفاظ استفاده می شود، شمشیر را ناکار نخواهد کرد بلکه دست را از بین می برد و در نتیجه این خدا، ایمن بخش ظالمان و نابودگر عدالت خواهد بود!! آن گاه که حاکمیت اصول عقلی نقض شود، لابد ظلم زیباتر از عدل خواهد بود! ادامه کلام همین مطلب را تأیید می کند: و یَهْدِی الظَّالِمِینَ: و ظالمان را هدایت می کند.

این خدا تنها از هدایت ظالمان سخن می گوید و دیگران را شایسته هدایت نمی بیند؛ گویا گمان کرده نیکوکاران محتاج هدایت نیستند. هدایت یعنی نشان دادن راه درست تا مقدمه حرکت در آن شود. نیکوکاران هم نیازمند به آن و شایسته آن هستند؛ زیرا قدر نور هدایت را دانسته و در پرتو آن حرکت می کنند. در حالی که ستم کاران بدان توجه نمی کنند و به خود ظلم می کنند و دنبال هواهای نفسانی خود حرکت می کنند. از این رو خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید: «وَ اللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ» (آل عمران/۸۶) یعنی افراد مادامی که ستم می ورزند و توبه نکرده اند از فیض هدایت محروم خواهند ماند؛ زیرا زمینه های هدایت را در وجود خود از میان برده اند و وصف به ظلم اشاره به علت هدایت ناپذیری آنان است. (علامه طباطبائی/۳/۳۴۰)

وَ یَهْدِیْمُ صَرْحَ الْکُفْرِ بَیْدِ الْإِیْمَانِ: و کاخ کفر را به دست ایمان نابود می سازد.

چه وجهی در شباهت کفر و کاخ وجود دارد؟ کاخ بنایی مستحکم و مجلل است که مایه آسایش و ایمنی و بهره مندی و فخر انسان است و این ویژگیها تناسبی با کفر به خدای تعالی ندارد. بلکه او تعالی در قرآن کریم

بهمن ماه ۱۳۹۲

کفر به خدا و ولایت ما سوی الله را به سست ترین خانه ها که خانه عنکبوت است تشبیه نموده است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» ( عنکبوت/۴۱ )

چاره ای نیست جز آن که بپذیریم کفر و انکار خدای این کتاب، همان بنای یا شکوهی است که مایه آسایش و ایمنی و بهره مندی و فخر انسان است و دست ضعیف ایمان نا معقول بدان، قدرتی در تخریب این بنا ندارد!

و يَطْهَرُ نَجَسَ الزَّيْنِ بِمَاءِ الْعِفَّةِ : و پلیدی زنا را با آب پاکدامنی پاک می سازد.

در این تشبیه اشکال معنایی آشکاری به چشم می خورد. عفت به معنای روی گردانی از خواهشهای نفسانی و پاکدامنی است که فرد را از ارتکاب گناهان باز می دارد. کسی که به گناه آلوده شده است از عفت بهره ای نداشته است و اگر خدا پس از آن به او عفت دهد او را از گناهان بعدی حفظ می کند و نمی تواند اثر گناه گذشته را از بین ببرد. پس تشبیه عفت به آب که پلیدی گناه را می شوید با مفهوم آن سازگار نیست. مناسب آن بود که توبه، به عنوان شوینده گناهان و پاک کننده معرفی شود. همان گونه که خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** (بقره/۲۲۲)

۲- تقسیم بندی بی قاعده موضوعات : بر خلاف قرآن کریم، در این کتاب موضوعات مختلف در قطعاتی متمایز مطرح شده است، اگرچه به دلیل ارتباط برخی موضوعات باهم از یک سو و توجه ویژه مولف به برخی موضوعات از سوی دیگر، برخی مطالب فراوان تکرار شده است که نمودار تکرار آن در «ضمیمه ب» ارائه شده است. در حالی که از امتیازات قرآن این است که در هر سوره مسائلی در زمینه مبدأ و معاد و مسیر صحیح زندگی انسان طرح شده است و با خواندن هر سوره می توان به دیدگاه قرآن درباره مسائل کلی زندگی انسان دست یافت، اگرچه مقصد اصلی سوره متفاوت و نحوه طرح مطالب متناسب با آن مقصد است. از این رو برخی این ویژگی را مرتبط با شیوه هدایتی موثر و اعجاز گونه قرآن کریم می شمرند. (زرقانی ۳۳۲/۲)

۳- همسانی شکل و اندازه سوره و آیات در سوره مماثل و عدم ارتباط آیات آن

بهارن ماه ۱۳۹۲

سور قرآن کریم از نظر تعداد آیات ، طول آیات، آهنگ سوره ، نحوه شروع و پایان آن بسیار متنوع است. از ویژگی های چشمگیر قرآن ، هدفمندی سوره ها به نحوی است که ارتباطی منسجم میان آیات ایجاد کرده است و قرآن شناسان ماهر می توانند آن را حتی در سور طوال با پیگیری شبکه های ارتباطی آیات نشان دهند. این ویژگی به راستی قرآن را تجلی گاه حکمت بی مثال الهی ساخته است.

بنابراین هر سوره در پی ابلاغ پیامی ویژه می باشد و تعداد آیات با توجه به غرض اصلی سوره تنظیم شده است. همچنین هیچ کلمه اضافی و بیهوده ای در آیات نیست و هر کلمه در شبکه ارتباطی آیات جایگاهی دارد. از این رو آیات کوتاه تر به ایجاد سوره های کوتاه تر می انجامد و آیات بلند سوره های بلند را تشکیل می دهد. زیرا نقش هر کلمه در آیه در ارتباط با پیام سوره ، پیام آیه و آیات دیگر باید روشن شود. از طرفی نحوه شروع سوره ها نیز اشکال خاص اما متنوع دارد. مثل شروع با حمد یا تسبیح یا خطاب یا حروف مقطعه که ارتباط آن با محتوای سور در تفاسیر نشان داده شده است. این ویژگی های ظاهری همگی ارتباطی تام با محتوای آیات و سور دارند.

الفرقان الحق دارای ۸۰ قطعه شامل مقدمه ، بسمله و خاتمه است. قطعه ها همگی کوتاه و تقریباً هم اندازه با میانگین ۱۱ بند در قطعه است. عموماً با خطاب به کسانی با صفت مربوط به موضوع قطعه آغاز می شود. بندهای آن نیز تقریباً هم اندازه و شامل حدود ۲۰ کلمه است. به نظر می رسد تکثیر سوره ها فقط به قصد ارائه کتابی است که از نظر حجم با قرآن قابل مقایسه باشد؛ با این وجود بسیار کم حجم تر است . مطالعه قطعات آن نشان می دهد پیام عموم آنها مخالفت با اسلام است و چنانچه در بررسی محتوا خواهد آمد غالب مطالب آن حول چند موضوع خاص دور می زند. مثلاً محور بحث در قطعات المحبت، السلام، المحرضین، الشهید مخالفت با حکم جهاد است. در قطعات الفرقان الحق ادعایی، به دلیل آن که بندهای هر قطعه بر محور موضوعی می چرخد که در نام قطعه ذکر شده است ، وجود ارتباط میان بندها امری طبیعی است. به خصوص اگر در نظر بگیریم متوسط تعداد بندها در هر قطعه یازده است. با این وجود ارتباط بندهای آن طور که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است. که به مواردی از آن در سوره مائیل الفاتحه اشاره شد. توجه به این ویژگی ها تکلف ، بی ذوقی و کم اطلاعی نویسنده این متن را آشکار می کند.

۴- عدم وجود روابط آماری و تناسبات لفظی

بمن ماه ۱۳۹۲

یکی از ویژگی های قرآن که با اختراع رایانه وانجام تحلیل های آماری بر واژگان قرآنی توجه برخی محققان چون دکتر رشاد خلیفه (الإعجاز العددي في القرآن الكريم) و عبد الرزاق نوفل (معجزه الأرقام و الترقيم في القرآن الكريم) را جلب کرده است، برقراری نسبت های معنادار میان میزان تکرار برخی واژه هاست؛ به طوری که سبب شده برخی آن را از وجوه اعجاز قرآن بشمرند. مثل برابری تکرار واژه «یوم» و واژه «نهار». اما از آن جا که در این تحلیلها روش واحدی به کار نمی رود، تأکید بر آن به عنوان وجه اعجاز قرآن منطقی نیست. زیرا گاه در محاسبات تنها خود واژه را در نظر می گیرند و گاه مشتقات آن را و گاه با توجیهاتی مواردی را کم یا اضافه می کنند تا معادله مورد نظر برقرار شود.

در این میان آن چه مسلم است و از دیرباز بدان توجه شده، تناسب لفظی در سور است که از زیبایی های صوری قرآن محسوب می شود. مثل تکرار فراوان حروف مقطعه در سور مربوطه که سیوطی بدان اشاره کرده است. (سیوطی/۲/۲۱۹)

از این تناسبات موردی در این کتاب مشاهده نشد. تنها در قطعه الآلاء به تقلید از سوره الرحمن سعی شده عبارتی مکرراً ذکر شود که به خلاف سوره الرحمن هیچ تناسب معنایی با مفاهیم قبل و بعد آن ندارد. زیبایی های حاصل از تناسبات لفظی نیز هرگز در این قطعه به چشم نمی خورد. تمام آیات با الگویی یکسان بدون هیچ فراز و فرود لفظی و معنوی یکسره تکرار شده است.

## ۲- نقد و بررسی محتوای الفرقان الحق

امروزه با پیشرفت بشر در علوم تجربی سازگاری دستاورد آن با محتوای قرآن، دانشمندانی چون ابو زهره (۹۱)، زرقانی (۳۳۲/۲)، آیه الله خوئی (۴۵ و ۷۰) را به پذیرش علوم و معارف عقلانی قرآن به عنوان قوی ترین وجه اعجاز متمایل ساخته است؛ برخی نیز با تکیه بر آیات و روایات نشان داده اند که «جنبه های معنوی و محتوایی اعجاز قرآن کریم، بر جنبه های ظاهری و لفظی و بلاغی آن برتری کلی دارد. چنانکه برخی علمای امامیه بر آن وجوه تأکید کرده اند.» (پهلوان، تحقیق در وجه اعجاز/۱۴)

اما در تحلیل محتوای الفرقان الحق از ۸۰ قطعه (شامل مقدمه، بسمله و خاتمه) این کتاب ۴۲ قطعه شامل ۴۲۴ بند مورد ارزیابی دقیق قرار گرفت و آمار موضوعات پر تکرار محاسبه شد. (ضمیمه ب) این موضوعات عبارتند از



بهمن ماه ۱۳۹۲

تثلیث (۲/۰)،

نفی صفات خدا (۱۳/۰)،

نفی جهاد (۲۱/۰)،

نفی بهشت جسمانی (۳/۰)،

نفی احکام اهل کتاب و تحریف ادیان (۱۱/۰)،

نفی احکام ازدواج و طلاق (۷/۰)

که مجموعاً حدود ۶۰٪ مطالب را تشکیل می دهند. از بررسی سایر بندها روشن شد که درباره مسائلی کلی چون معرفی حق و باطل اغلب با استفاده از سبک قرآن، پیروان حق و پیروان باطل، دفاع از کتاب و نویسندگان آن، دستورات اخلاقی (بسیار کلی و محدود)، حمله به قرآن و پیامبر اسلام ص می باشد. بنابراین خبری از موضوعات علمی و عقلی نیست و چیزی جز بازگشت به خرافات و تحریفات وارد شده به ادیان پیشین به چشم نمی خورد. حال به مقایسه آن با موضوعات قرآن می پردازیم.

## ۱-۲- عدم طرح علوم و حقایق تجربی مربوط به جهان آفرینش

در قرآن کریم در آیات فراوانی از عظمت آفرینش آسمان ها و زمین و کوهها و دریاها و گیاهان و جانوران و انسان و مصنوعات انسان و ویژگیهای جسمی و روانی و روحی او سخن گفته و از مردم دعوت نموده تا در اسرار هستی بیندیشند و گاه از این اسرار پنهان سخن گفته است به طوری که موجب شده بیان مطالب علمی فراتر از فهم مردم عصر نزول، از وجوه اعجاز قرآن شمرده شود. اما در این کتاب کذایی اثری از مطالب مرتبط با آفرینش که شناخت آن در حیطه علوم تجربی است، دیده نمی شود. خداوند متعال در قرآن کریم انسان ها را به عظمت هستی و اسرار آن توجه می دهد تا دل های آنان را به سوی خالق آن متمایل سازد. به بیانی برهان های حسی اثبات وجود خالق را مطرح می کند؛ اما الفرقان الحق به عنوان کتابی که مدعی است برای تمام مردم جهان پیامی الهی دارد، از این نظر نقصان جدی دارد.

## ۲-۲- عدم شمول علوم و حقایق فرا طبیعی

بهمین ماه ۱۳۹۲

در قرآن از خدا و صفات او و قیامت و بهشت و دوزخ و برزخ و ملکوت و فرشتگان و عرش و کتاب مکنون و... مطالب دقیق و شگفت انگیزی طرح شده است، در حالی که در این کتاب جز مخالفت کلی با قرآن در برخی موضوعات فوق، سخن دیگری یافت نمی شود. اهم موارد آن به قرار زیر است:

نهی توحید و دعوت به تثلیث: در بندهای این کتاب از سه گانگی خدا در عین وحدت او یاد می شود و این مطلب در بند آغازین تمام قطعات تکرار می شود، اما هیچ دلیلی جز کج فهمی و عدم تعقل منکران آن ذکر نشده است.

نهی اسماء و صفات خدا: نویسنده توصیف خدا به صفات گوناگون را شرک می شمرد؛ خصوصاً صفاتی چون جبار، منتقم، مهلک، متکبر، مذل (الثالوث) از طرفی خود در بخش دیگری از مطالبش او را به صفات ملک، جبار، متکبر، قهار، قابض، مذل، ممیت، منتقم، ضار، مغنی وصف نموده است. (الضالین)

بدین ترتیب تناقضی در گفتار او رخ می دهد که راهی برای حل آن به ذهن نمی رسد. تنها مطلب قابل توجه دیگر در این باره دفاعی بی دلیل از مسأله تجسد و پدری و پسری و فداء و روح است، که آن هم تنها در یک جمله از قطعه الشهاده (از نمونه آماری ۵۰٪) مشاهده می شود.

نهی نعمتهای جسمانی در بهشت: در مورد بهشت تنها بر روحانی بودن نعمات آن اشاره نموده است و قائلان به نعمتهای جسمانی در بهشت را به شهوت پرستی و محدودیت نگاه آنان به دنیا متهم نموده است. اما هیچ توصیف و ترغیبی نسبت به این نعمت های روحانی صورت نگرفته است.

## ۲-۳- عدم اخبار از غیب

یکی از ویژگی های قرآن که در کنار سایر شواهد و قرائن از وجوه اعجاز قرآن است، خبر دادن از مسائل و وقایعی است که از نوع انسان های آن عصر پنهان و در غیب بوده است. مانند بیان داستان امتهای گذشته و رویدادهای آینده. اما چون این گونه گزارش ها در تمام سور قرآن جود ندارد، آن را وجه تحدی نمی شمردند. (زرکشی/۹۵/۲) و (پهلوان، جایگاه کتاب.../۲۳۳) ولی اکنون که الفرقان الحق به معارضه با کل کتاب برخاسته می توان به جستجوی این وجه در آن پرداخت. در این زمینه هیچ مطلبی جز نقل یک جمله از حضرت موسی ع و یک جمله از حضرت عیسی ع در قطعه ای از این کتاب دیده نمی شود.

## ۲-۴- محدودیت در احکام و شرایع و دستورات اخلاقی

بهمن ماه ۱۳۹۲

قرآن کریم به منظور رشد و تعالی انسان در تمام ابعاد وجودیش، دستورالعمل‌هایی دقیق برای زندگی فردی و اجتماعی او قرار داده و با ارائه مجموعه کاملی از قوانین مورد نیاز بشر او را از به کارگیری تجارب خطاپذیر خود باز داشته است. از طرفی اختلافات موجود میان احکام اسلام و شرایع الهی دیگر را بیشتر از ناحیه تحریفاتی می‌داند که دامنگیر آنان شده؛ اگرچه سهمی هم برای تفاوت مقتضیات زمان و شرایط اقوام گذشته قائل است. از این رو اسلام را تنها دین جهان شمول و متناسب با شرایط و احوال بشر پیشرفته می‌داند؛ به همین جهت برخی چون آیه الله خوئی (۵۸) و ابن قطن (۲۸۰) قرآن را از جهت ارائه یک مجموعه حقوقی کامل، معجزه می‌دانند. اما در این کتاب تنها بر محبت صرف و حکمت، آن هم در مقام حمله به احکام اسلامی، تأکید شده است؛ تا جایی که بندهای مشتمل بر نفی حکم جهاد و دعوت به دوستی با تمام انسانها اعم از مومن و کافر و ظالم و عادل، در (۲۱٪) از بندهای کتاب مشاهده می‌شود. احکام دیگر اسلام که حساسیت نویسندگان را برانگیخته است، عبارتند از: احکام رفتار با اهل کتاب و ادیان گذشته (۱۱٪)، احکام ازدواج و طلاق و تعدد زوجات (۷٪)، حکم قصاص (۱٪) که تنها در مقام انکار اسلام از آن سخن رفته است.

بنابراین به جای ارائه احکام و قوانین زندگی سعادت‌مندان تنها به یک دستور اخلاقی که فارغ از مبانی عقلانی صحیح است، اکتفاء شده است؛ در حالی که در آیات قرآن دستورات اخلاقی فراوان مشاهده می‌شود. در واقع اخلاق به عنوان مکمل قانون مطرح شده و از مسلمانان خواسته شده تا در مرحله رعایت عدالت (عمل به احکام و قوانین) باقی نمانند؛ بلکه با رعایت اخلاق اسلامی به مرحله ای بالاتر صعود کنند و روابط خود را بر فضل و رحمت بنا کنند و آن را زیباتر سازند. (البقره/۲۳۷)

## ۲-۵- تناقض و عدم هماهنگی

یکی از وجوه اعجاز قرآن شیوه نزول پراکنده آن در طول چندین سال به مناسبت وقایع مختلف و وحدت یافتن در سور مختلف به گونه ای است که نزول پراکنده این گونه سور محسوس نیست و اجزاء با یکدیگر مرتبط است؛ و اینکه در عین نزول پراکنده و گستردگی موضوعات تناقض در مطالب آن یافت نمی‌شود. از طرفی همواره از انسان‌ها خواسته تا به میزان عقل در آیات آن بیندیشند و دریابند که اگر از جانب خدا نبود، تناقض در آن فراوان بود. (ص/۲۹) همچنین ملامت از معارف عقلی و دقائق فلسفی است به طوری که متفکرین شرق و غرب عالم را مبهور ساخته است و با وجود آن که مصادر علمی آن عصر آکنده از موهومات و خرافات کتب عهدین بود، قرآن حقایق عقلی و اخلاقی و معارف الهی را از این گونه باطیل پاک ساخته است.

بهمن ماه ۱۳۹۲

تناقض عقلی در «الفرقان الحق»:

در این کتاب عقایدی از مسیحیت آمده که مورد پذیرش عقل نیست. اگرچه متکلمان به شکل تخصصی حول آن بحث نموده اند؛ ولی می توان به زبانی ساده پاسخ هایی طرح کرد که برای هر عقل سلیمی قابل پذیرش باشد.

تثلیث توحید: بِسْمِ الْاَبِ الْكَلِمَةِ الْرُوحِ الْاِلَهِ الْوَاحِدِ الْاَوْحِدِ: به نام پدر کلمه ی روح خدای یکتای یگانه مُثَلَّثِ التَّوْحِيدِ مَوْحِدِ التَّثْلِيثِ مَا تَعَدَّدَ : سه گانه گر یگانگی و یگانه گر سه گانگی از اشکالات اساسی مکتب مسیحیت که به این کتاب منتقل شده، برابر انگاشتن یک با سه است که مخالف حکم آشکار عقل می باشد. یکی کردن سه و سه تا کردن یک، از معجزات خدای آنان شمرده می شود! (مُثَلَّثِ التَّوْحِيدِ مَوْحِدِ التَّثْلِيثِ مَا تَعَدَّدَ) در حالی که اگر وقوع محال عقلی را مجاز بشمریم، نمی توانیم وجود هیچ حقیقت اصیلی را در جهان باور نماییم. اعتقاد اینان به همین اصل غیر عقلانی و تناقض آمیز است که ریشه رفتار و گفتار متناقض آنان شده و در این کتاب نیز مواردی از آن منعکس شده است.

محبت بدون دشمنی: محبتی که به پیروی از مسیحیت محرّف در این کتاب تبلیغ می شود، بی تفاوتی، بی احساسی، بی رگی و خنثی بودن است که واژه محبت را مصادره کرده است. چگونه ممکن است مادری که فرزند خود را دوست می دارد، در برابر کسی که به فرزندش بی رحمانه آسیب می رساند، واکنش دفاعی نشان ندهد و حتی به او مهر بورزد؟ یا چوپانی که وظیفه اش حمایت و مراقبت از گوسفندان است، گرگ حمله ور به آنان را آزاد گذارد؟

محبت حقیقی خداوند به بندگان خود متناسب با رفتار آنان شکل های مختلف می یابد. گاه به صورت بارش نعمات و برکات است و گاه به شکل نزول سختی ها. گاه در قالب دستور مودت و رحمت و عفو است و گاه با صدور حکم جهاد و قتال. دستور به اعمال جدید و خشونت در برابر برخی ظلم ها، اعمال محبت او به هر دو طرف ظلم، یعنی ظالم و مظلوم است که برای هر یک جلوه ای متفاوت یافته است. محبتش به مظلوم، او را از ذلت و ضعف در برابر هم نوع زورگوی خود می رهاند و نفس انسانیش را تقویت می کند. محبتش به ظالم او را از روحیه زورگویی و تخریب نفس انسانیش باز می دارد. اگر با هر دو به رحمت و عفو و تسامح و چشم پوشی برخورد کند، این برخورد هیچ اثر مثبتی بر هیچ یک نخواهد داشت و بود و نبودش یکسان خواهد بود. از این رو

بمن ماه ۱۳۹۲

اسلام ابتدا مظلوم را بر اریکه قدرت می نشاند و به او حق دفاع از خود و قصاص می دهد و پس از تثبیت این حق برای مظلوم و تحقیر ظالم، او را به عفو و اغماض دعوت و تشویق می کند: « وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ لَا تُنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (بقره/۲۳۷).

همچنین در مواردی که ظلم و بدی ظالم تنها حقوق شخصی فرد را تهدید کند و از سر زورگویی و روحیه تجاوزکارانه شخصیت انسانی فرد یا جامعه را هدف قرار ندهد، دستور می دهد که به زیباترین شکل به او واکنش نشان دهد تا او را به بهترین دوست خود تبدیل سازد: « وَ لَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّیِّئَةُ ادْفَعُ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَ بَیْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ » (فصلت/۳۴)

پس اسلام مدافع محبتی انسانی و مقتدرانه و نه محبتی از سر خواری و ناتوانی است.

فداء و تجسد: این اعتقاد که خدا در قالب جسد عیسی ظاهر شده (تجسد) و با به صلیب رفتن فدیة گناهان بشر را پرداخته است (فداء) و دیگر هر گناهی از بنی بشر آمرزیده است، علاوه بر آن که مخالف اصول عقلی است، به نتایج زیانباری در جامعه بشری می انجامد و سوالات فراوانی بی پاسخ می ماند: چگونه خدای نامحدود در قالب بشری محدود می شود؟ آیا تنها راه آمرزش گناهان بشر به صلیب کشیده شدن خدا بود؟ اگر این طور است، چرا خدا انسان را به گونه ای آفرید که گناه کند؟ ...

نمونه ای از تناقض در «الفرقان الحق» در مورد صفات الهی:

قطعه ثالث: **إِنَّ أَهْلَ الضَّلَالِ مِنْ عِبَادِنَا اشْرَكُوا** بنا شرکا عظیما فجعلونا تسعة و تسعین شریکا بصفات متضاربة و أسماء للانس و الجان یدعوننی بها و ما أنزلنا بها من سلطان... و افتروا علینا کذبا بأنا الجبار المنتقم المهلك المتكبر المذل ، و حاشا لنا أن نتصف یافک المفترین و نزهنا عما یصفون..

همانا اهل گمراهی از بندگان ما، به ما شرکی بس بزرگ ورزیده و ما را نود و نه شریک قرار داده اند. با صفات متناقض و اسمهای انس و جن که مرا با آنها می خوانند در صورتی که هیچ دلیلی از ما ندارند... و به دروغ بر ما افتراء بسته اند که ما جبار و منتقم و هلاک کننده و متکبر و خوارکننده می باشیم و حاشا که ما خود را به بهتان درگویان متصف کرده باشیم و ما از آنچه که اینان وصف می کنند پاک و مبراء می باشیم. و در قطعه

بهمین ماه ۱۳۹۲

الضالین آمده : فأنا الملك الجبار المتكبر القهار القابض المذل الممیت المنتقم الضار المغنی . فإیای تعبدون  
وإیای تستعینون

که در تناقضی آشکار با آیه قبل است.

### ۳- عدم وجود آثار و نشانه های بیرونی برای حقانیت الفرقان الحق

#### ۳-۱- مولفان نه چندان شناخته شده الفرقان الحق

اگرچه قرآن خود را آیه ای عظیم و نشانه ای بر حقانیت پیامبر اسلام ص و دعوت ایشان می شمرد، اما وجود مبارک محمد مصطفی ص و ویژگی های روحی و اخلاقی ایشان نیز متقابلاً نشانه حقانیت قرآن و دعوت ایشان است.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ (البقره/۲۳)

برخی مفسران مرجع ضمیر هاء در مثله را پیامبر ص می شمرند. یعنی قرآن از کسی چون او شاهکاری بی نظیر است. (علامه طباطبائی/۵۹/۱)

زیرا پیامبر گرامی اسلام از زمان قبل از بعثت به خاطر برخورداری از صفاتی چون امانت داری، راستگویی، درستی در پیمان ، بردباری و خوش خویی مورد توجه همگان بودند و به لقب «امین» ملقب شدند. (مجلسی/۱۱۸/۱۶) (ابن هشام/۱۸۳/۱)

همچنین در تاریخ رفتارهای نیکی از ایشان چون گوشه گیری و عبادت. (مجلسی/۳۶۳/۱۵) ، دوری از بت پرستی (بیهقی/۳۴/۲) ، دوری از لهو و لعب (بیهقی/۳۳/۲) ، جوانمردی و یاری ستمدیدگان و شرکت در پیمان حلف الفضول (بیهقی/۳۷/۲) به ثبت رسیده که با مقام نبوت سازگار است.

از طرفی ایشان به تعبیر قرآن اُمّی بودند یعنی اهل خواندن و نوشتن نبودند. این ویژگی ایشان را از این اتهام که سخنانشان تقلیدی از کتب ادیان الهی پیشین است، تبرئه می کند و شاهدی دیگر در راستی گفتارشان خواهد بود.

بهمن ماه ۱۳۹۲

عدم پذیرش پیشنهاد مالی قریش از طرف ایشان. (مجلسی/۱۸۲/۱۸) هم قرینه ای است که نشان میدهد انگیزه مادی در کار نبوده است؛ اگرچه امین بودنشان جایی برای شک در این باره باقی نمی گذاشت. شاهد دیگر پیش گویی هایی در کتب ادیان پیشین درباره رسالت ایشان است که باعث شده بود اهل کتاب در انتظار پیامبر آخر الزمان حوالی مکه ساکن شوند. مثلاً در تورات آمده است: «اولی از کوه سینا ظهور می کند و دومی از ساعیر و سومی از کوه فاران».

سینا کوهی است که حضرت موسی در آنجا با خدا سخن گفت. و ساعیر کوهی است در شام که حضرت عیسی در آنجا بود. و کوه فاران همان مکه است. (قطب راوندی/۸۶-۵۵) و این که علمای اهل کتاب در آن زمان ایشان را به نشانه هایشان شناخته بودند. (مجلسی/۳۱۱/۱۷)

أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (شعراء/۱۹۷)

این نمونه ها و موارد فراوان دیگر که در سیره ایشان ذکر شده ، دلایل خارجی بر حقانیت قرآن و قرآینی بر درستی ادعای نبوت از سوی ایشان است.

اما این کتاب، ظاهراً تألیف دو نفر به نام های «الصفی» و «المهدی» است. اما در مقدمه آن که به امضای این دو نفر نوشته شده است، خود را به عنوان اعضای هیأت امنای ناظر بر تدوین تهیه و انتشار، معرفی کرده اند.

بعضی از محققان عرب ، نویسنده آن را فردی به نام دکتر «انیس شاروش» معرفی می کنند. نویسندگان دیگر، دکتر انیس شاروش را همان المهدی می شناسند که کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده است. اما از «الصفی» که نخستین نام امضاکننده مقدمه است، اطلاعی در دست نیست. «ولید رباح» رئیس تحریریه نشریه صوت العروبه که در آمریکا منتشر می شود، امضای مقدمه کتاب را چنین می نویسد: ... به الصفی وحی شده است ... المهدی آن را ترجمه کرده است. در سوره جعلی التنزیل این کتاب نیز آمده: «همانا فرقان حق را به طریق وحی فرو فرستادیم و چون نوری به قلب صفی مان افکندیم...» بنا بر این به نظر می رسد که «الصفی» به معنای برگزیده، نام یک شخصیت فرضی است که تنها به منظور ایجاد قداست برای این کتاب خلق شده است؛ «المهدی» نیز شخصی واقعی و همان دکتر انیس شاروش است که هم نویسنده متن عربی و هم مترجم آن به انگلیسی

می

نکته ای که دخالت دکتر انیس شاروش را تأیید می کند و نشان می دهد که او همان «المهدی» است، مطلبی

بهارن ماه ۱۳۹۲

است که در پایگاه اینترنتی usinfo به صراحت او را مترجم کتاب معرفی می کند و به نقل نظرات او و اهداف این کار می پردازد. سایت Islam In Focuse که احتمالاً متعلق به خود اوست، نیز می نویسد: وی سه سال قبل به همراه همسرش، کتاب الفرقان الحق را از عربی به انگلیسی برگرداند. همان چیزی که امروز به نام THE TRUE FURQAN شناخته می شود. حال، مدت هاست که این فرد در رسانه های گوناگون به تبلیغ «الفرقان الحق» و با برپایی کنفرانس های مختلف به ترویج آن می پردازد و از مسلمانان می خواهد که بدان اعتماد کنند و آن را جایگزین قرآن کریم نمایند.

دکتر انیس شاروش در فلسطین به دنیا آمد و پدرش توسط ارتش یهود کشته شد، او ابتدا در اردن و سپس در کشورهای عربی به تحصیل و در عین حال، فعالیت تبشیری پرداخت و برای تبلیغ مسیحیت به ۷۶ کشور در سراسر دنیا سفر کرد. از سال ۱۹۹۵ در نیوزلند، انگلیس و پرتغال به سر برد. پیش از آن نیز در سرزمین های اشغالی در خدمت یهودیان بود و به آنان در کنشت اورشلیم Baptist Jerusalem خدمت کرد. وی در دهه ۸۰ کتابی تحت عنوان:

Arabics View Of islam Reveled a Christian منتشر کرد و در آن، اسلام را دارای ایده های

نادرست و روح خشونت دانست، از جمله این که از هر ۵ قتل که در جهان اتفاق می افتد، یک نفر به خاطر دیدگاه های اسلامی کشته می شود.

دهمین کتاب وی در آگوست ۲۰۰۴ با عنوان «اسلام، خطر یا چالش» منتشر شد، او اسلام را دین رعب و خشونت خوانده که به جنگ و خونریزی دعوت می کند و اضافه کرده است که منشأ همه این دیدگاه ها اسلام است. به خاطر همین اعتقاد، به مسلمانان سفارش کرده است که قرآن دروغینش را جایگزین قرآن رایج بین خویش کنند.

دکتر انیس شاروش ابتدا چهارده سوره جعل و در پایگاه اینترنتی AMRICAONLINE منتشر کرد؛ سپس بعد از یکسال، کتابی کامل با نام «الفرقان الحق» شامل ۷۷ سوره جعلی (قطعه) تألیف و در دسترس همگان گذارد. او در کنفرانسی که ۲ روز بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در دانشگاه هوستن برگزار کرد به دولت آمریکا پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از نفوذ تروریسم همه مسلمان را از آمریکا اخراج کند و اضافه کرد که باید



بهارن ماه ۱۳۹۲

همگی مسلمانان را به خاورمیانه منتقل و سپس با بمب اتم همه منطقه را نابود کرد. این سخنرانی موجب شد که رئیس دانشگاه مزبور، در روزنامه وابسته به دانشگاه از سخنان او اظهار تأسف و معذرت خواهی کند.

## ۲-۳- عدم تاثیر و تاثیر بر فرهنگ جهان معاصر

اخلاق عمومی عرب جاهلی در کتاب فروغ ابدیت این چنین ترسیم شده است: «به هر حال، عوامل مختلف مانند جهل و تنگی معیشت و نداشتن نظام صحیح زندگی، وحشی گری و درنده خویی و تنبلی و بی حالی و دیگر رذایل اخلاقی، محیط عربستان را به نحو بارزی تاریک کرده و کم کم امور شرم آوری را در میان آن قوم، معمول و قانونی ساخته بود...»

عقاید تمام ملل و جامعه های جهان، روز طلوع ستاره اسلام، با انواعی از خرافات آمیخته بود و افسانه های یونانی و ساسانی بر افکار مللی که مترقی ترین جامعه آن روز به شمار می رفتند حکومت می کرد. هم اکنون در میان ملل مترقی شرق، خرافه های زیادی وجود دارد که تمدن کنونی نتوانسته آن ها را از قاموس زندگی مردم بردارد. جامعه هرچه از نظر علم و فرهنگ عقب باشد، به همان نسبت خرافه و اوهام در میان آنان زیادتر خواهد بود.» (سبحانی/۱/۵۴ و ۵۰)

رسول خدا ص در چنین دورانی بر اساس مفاهیمی که در قرآن طرح شده ، به مبارزه با مفساد اخلاقی و عقیدتی و اجتماعی و فرهنگی می پردازند . مفاهیمی که در عمل هیچ اثری از آن در جامعه آن روز وجود نداشت ؛ در عین حال جامعه امروز نیز تشنه آن است . جهان معاصر اگرچه در زمینه علم و فن آوری پیشرفت های چشم گیری داشته است اما در زمینه های اخلاقی و عقیدتی و اجتماعی و فرهنگی گویی بازگشتی دوباره به جاهلیت دارد. اما نویسندگان الفرقان الحق نه به ویژگی های انحطاطی این دوران نظر دارد و نه از پیشرفت های علمی روز بهره گرفته، بلکه در صدد مخالفت متعصبانه با اسلام، بر مبنای مسیحیت محرّف است و چشم بر همه دلائل استوار حقانیت قرآن بسته است. از جمله آن که در قرآن کریم فراوان درباره آفرینش سخن رفته ، همه جا گفتارش با دستاوردهای نوین علم تجربی سازگار است؛ به طوری که هیچ تناسبی با فضای علمی جهان در عصر نزول ندارد و مناسب برای همه دوران هاست و این نکته خود می تواند از وجوه اعجاز آن شمرده شود.

همچنین قرآن از چنان جاذبه ای برخوردار بود که دشمنان نیز بدان اعتراف می کردند<sup>۲</sup>؛ به همین جهت کسانی چون عبدالکریم خطیب ابن تأثیر و نفوذ را اعجاز گونه می شمرند. (۳۱۷)

<sup>۲</sup>مجلسی/۱۸/۱۸۷

بهمن ماه ۱۳۹۲

از سویی چنان تأثیر شگرفی در جامعه داشت که در مدتی کوتاه از قومی جاهل ملتی متمدن ساخت که بخش های زیادی از جهان را تحت سیطره سیاسی و فرهنگی خود درآورد که نشان دهنده تحقق اعجاز و به بار نشستن وجوه آن است و به نوعی با تمام وجوه اعجاز مرتبط است و برخی آن را از وجوه اعجاز نمی دانند. (برومند/۱۳۸) به همین جهت نشانه ای خارجی برای حقانیت قرآن محسوب می شود. اما الفرقان الحق پس از گذشت چند سال هنوز کتابی معروف و شناخته شده نیست و نتوانسته اشخاص یا جوامعی را متأثر سازد؛ اگر چنین بود سازندگان آن با تبلیغات خود گوش فلک را کر می کردند. در حالی که «شاگرد مکتب اسلام شخصیتی چون علی ع است که دانشمندان بزرگ دنیا درک اسرار و رموز کلمات آن بزرگوار را مایه مباهات خود می دانند... اگر کسی وارد سیره و تاریخ زندگانی امیر مومنان نشود، خیال می کند که آن حضرت در هر رشته ای که سخن می گوید، تمام عمر خویش را در تحقیق همان موضوع به پایان رسانیده و در آن رشته خاص مهارت پیدا نموده است ولی جای تردید نیست که علوم و معارف امیر مومنان به منبع وحی متکی بوده و از آن مبدأ اتخاذ شده است. زیرا اگر کسی با تاریخ حجاز قبل از اسلام آشنا باشد، نمی تواند باور کند که سخنان او از سرچشمه دیگری جز سرچشمه غیب سرازیر شده باشد.» (خوئی/۷۷)

مباهله نیز واقعه ای تاریخی است که قرآن نیز از آن خبر داده و شاهدهی دیگر بر حقانیت آن است: از آن پس که به آگاهی رسیده ای، هر کس که درباره او با تو مجادله کند، بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آن گاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم. (آل عمران/۶۱)<sup>۳</sup>

زرقانی مباحله را از وجوه اعجاز قرآن بر می شمرد. (۴۰/۲) که در واقع از قرائن خارجی حقانیت و اعجاز قرآن است؛ زیرا مستقیماً توسط قرآن صورت نگرفته است بلکه به راهنمایی قرآن واقع شده است و نشانه اعتماد کامل پیامبر ص به حمایت از جانب پروردگار می باشد. به همین جهت برخی معتقدند مباحله از وجوه اعجاز نیست، بلکه شخصیت آورنده آن و یقین او به عملکرد خویش به خودی خود معجزه آساست. (برومند/۱۳۸)

همچنین قرآن برای اثبات فوق بشری بودن خود دست به تحدی یا مبارزه طلبی زده است. در آیات متعدد و در سه مرحله از منکران خواسته تا مانند آن بیاورند. در مرحله اول کتابی (اسراء/۸۸) در مرحله دوم ده سوره (هود/۱۳) و در مرحله سوم یک سوره (بقره/۲۳، یونس/۳۸) مانند قرآن مورد تحدی واقع شده است. اما تنها

<sup>۳</sup> ر.ک. عطاردی/۱۹۳

بهمن ماه ۱۳۹۲

موارد معدودی از اقدامات بی نتیجه صورت گرفته که این کتاب هم از آن موارد است که با اولین نظر تفاوت چشمگیر آن با قرآن آشکار می شود. از این رو دشمنان که اغلب خود را از این مبارزه ناتوان می یافتند ، دست به شمشیر می بردند و با صرف جان و مال خود برای نابودی آن تلاش می نمودند و این خود دلیلی واضح بر فوق بشری بودن قرآن است. از آنجا که تحدی در آیات قرآن صورت گرفته ولی تحقق این پیروزی در خارج آشکار می شود، از شواهد خارجی حقانیت قرآن است.

نویسنده این کتاب نیز با تقلید از قرآن آیات تحدی را درباره کتاب خود به کار برده است؛ در حالی که به گفته آیه الله خوبی در بیان اگر تقلید از قرآن معارضه محسوب می شد ، عرب صدر اسلام بسیار بهتر می توانست کتابی چون قرآن جعل کند. یا این که هر کسی می تواند با منفی و معکوس کردن افعال در جملات قرآن کتابی نو ! عرضه کند. چه رسد به کتاب او که خود تقلیدی ناهمگون و نازیبا از کتابی دیگر است. موارد زیر نمونه هایی از این تقلید نا زیباست:

(الکبائر!) زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عِبَادِنَا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عملوا الصالحات في سبيل

الآخره

(البقره/ ۲۱۲) زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ

يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

(الاضحی!) فلا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعُوا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ

حَمِيمٌ

(فصلت/ ۳۴) وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ

حَمِيمٌ

(الاساطير!) هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ  
(الرحمن/ ۶۰) هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ



بمهر ماه ۱۳۹۲

(الجنه!) صَمُّ بَكْمٍ عَمَى لَا يَرْجِعُونَ  
(البقره/۱۸) صَمُّ بَكْمٍ عَمَى فَهَمَّ لَا يَرْجِعُونَ

(البهتان!) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ  
(البقره/۱۸) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

(اليسر!) إِنَّا نُرِيدُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ  
(البقره/۱۸۵) يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ

(الفقراء!) وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَهُوَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ  
(النور/ ۲۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ

(الوحي!) وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ  
(النجم/۴۳) وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ  
جمع بندی

با نظر به ویژگی هایی که دانشمندان آن ها را وجه اعجاز قرآن کریم شمرده اند ، می توان گفت: قرآن کتابی است که در آن مطالب عمیق علمی و عقلی را که در هدایت و رشد بشر موثر است در قالب الفاظ و عباراتی زیبا و فصیح آمده و با شواهدی چون ویژگیهای پیامبرص و دوران نزول و وقایعی خارجی حقانیت آن روشن شده وبا نمودار شدن آثار فردی و اجتماعی این پدیده در خارج خارق العاده بودن و اعجاز آن محقق شده است.

در این پژوهش روشن شد، کتاب الفرقان الحق القانات شیطانی نفس کینه توز فردی بی اطلاع از اسلام و قرآن است، که از تمام حقایق و زیبایی های دین کامل اسلام با چند حکم عملی آن آشناست و با تحلیلی

بهمن ماه ۱۳۹۲

نادرست از آن احکام با تکیه بر مسیحیت محرّف در مقام معارضه با این دین الهی برآمده است. لذا به منظور ارائه جایگزینی برای قرآن کریم! حدود نیمی (۵۱٪) از این کتاب را به نفی این احکام اختصاص می دهد و در نیم دیگر در کنار طرح اعتقاداتی چون تثلیث و روح و فداء و تجسد (۱۸٪) در نفی کلی و ابطال دین اسلام و پیروان آن (۳۱٪) با استفاده از صنایع ادبی قرآن کریم سخن می گوید. بنابراین از محتوای علمی و عقلانی قرآن کریم که عمیق ترین نشانه فوق بشری بودن آن است، غافل مانده و پنداشته ارائه کتابی در قالب زبانی فصیح هموارد قرآن خواهد بود.

نهایتاً باید گفت، الفرقان الحق از نظر فصاحت و بلاغت و زیبایی های صوری به دلیل اشکالات بلاغی فراوان و عدم استقلال در سبک سخن و حتی جملات در برابر قرآن کریم مغلوب و شکست خورده است. در محتوا نیز به دلیل وجود تناقضات عقلی و عدم ارائه مطالب علمی صحیح و مفید قابل قیاس با قرآن کریم نیست. ویژگی های نویسنده آن نیز هیچ تقدّسی در او نشان نمی دهد. هیچ تحولی هم در بیرون رخ نداده تا شاهد تحقق ادعای نویسنده باشد. پس نمی تواند برای قرآن کریم جایگزینی باشد و بد جایگزینی برای ستمکاران است!

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَ فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (کهف/۵۰)

منابع

- ابوزهره، محمد، المعجزه الكبرى، قاهره، دار الفكر العربی، ۱۳۹۰ق.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب، الأعجاز القرآن، بیروت، دار احیاء العلوم، ۱۹۹۸م.
- برومند، محمد حسین، نقد و بررسی روشهای تبیین حقانیت قرآن، قم، عرش اندیشه، ۱۳۸۴ش.
- بیهقی، احمد بن حسین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- پهلوان، منصور، تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم، تهران، سفینه، شماره ۱.
- پهلوان، منصور، جایگاه کتاب الموضح در تبیین وجه اعجاز قرآن، تهران، آینه میراث، سال سوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۴ش.
- جرجانی، ابوبکر قاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز، تصحیح محمد عبده، مصر، چاپ ۱۳۳۱، ۲ق.



# دومین همایش ملی اعجاز قرآن



بمهر ماه ۱۳۹۲

- خطیب، عبدالکریم، الإعجاز فی دراسات السابقین، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۷۴م.
- خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالزهراء للطباعه و النشر، ۱۴۱۲ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناہل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، چاپ ۳، دار الفکر العربی، ۱۴۰۸ق.
- سبحانی، سیدجعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
- سیوطی، ابوبکر، الإیتقان فی علوم القرآن، منشورات ذوی القربی، ۱۴۲۲ق.
- صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۳م.
- عطاردی، عزیزالله، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام.
- قطب الراوندی، سعیدبن عبدالله، جلوه های اعجاز معصومین.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.